

ابعاد شناختی فرزندپروری والدین ایرانی: یک مطالعه کیفی

ولی اله رضانی: دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران valiollahramezani@gmail.com

محمدسعید عبدخدایی: (نویسنده مسوول) دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

زهرا طبیبی: دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حمیدرضا آقامحمدیان شعریاف: استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد شناختی فرزندپروری والدین ایرانی بود. طرح این پژوهش کیفی و شیوه مورد استفاده در آن، نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد است. جامعه پژوهش شامل کلیه والدین مسلمان دارای فرزند بالای ده سال ساکن تهران و کرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ بود. نمونه مورد بررسی ۳۳ نفر از والدین مسلمان ایرانی بودند که با مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بر اساس شیوه‌نامه استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت، حاصل کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی، ۲۷۲ کد اولیه، ۳۱ مفهوم، ۶ مقوله و ۲ طبقه کلی بود؛ طبقه قابلیت‌های درون‌فردی که شامل قابلیت‌های روان‌شناختی (قابلیت‌های شناختی، هویت، حرمت خود، تنظیم هیجان، خودمختاری، تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری/نظم فردی)، قابلیت‌های معطوف به پیشرفت (قابلیت‌های جسمی، قابلیت‌های اقتصادی/مالی، قابلیت‌های شغلی، قابلیت‌های تحصیلی و هدف/برنامه) و قابلیت‌های معنوی (دینداری، اخلاق فردی) است و طبقه قابلیت‌های بین‌فردی که شامل قابلیت‌های ارتباط بین فردی (صمیمیت/مهرورزی، قاطعیت، انعطاف/انتقادپذیری)، قابلیت‌های ارتباط خانوادگی (سازگاری، مهارت‌های ارتباطی، احترام والدین، همکاری و مشارکت، تعهد/وفاداری/انسجام، قانون‌پذیری، اطاعت) و قابلیت‌های اجتماعی (حقوق دیگران، قانون‌پذیری، روابط عمومی، اخلاق اجتماعی، نوع‌دوستی/یارگیری، سازگاری/تاییدجویی و تعهد اجتماعی) است.

کلیدواژه‌ها: ابعاد شناختی، فرزندپروری، ایران، قابلیت‌های درون‌فردی، قابلیت‌های بین‌فردی

Cognitive aspects of Iranian parent's parenting: A qualitative research

Valiollah Ramezani: PhD Student of Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. ramezani_vali@yahoo.com

Mohammad S. Abdkhodae: (Corresponding author) Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Zahra Tabibi: Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hamid R. Aghamohammadian Sharbaf: Professor, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

The aim of this study was to investigate the cognitive dimensions of parenting in Iran. The research has a qualitative design and the method used is Grounded Theory (GT). The population consisted of all Muslim parents with children over 10 years of age, living in Tehran and Karaj during the summer of 1395 to the summer of 1396. The sample contained 33 Muslim parents who were studied through semi-structured interviews. The interviews' data was analyzed on the basis of Strauss and Corbin's instruction (1998) and eventually, the result consisted of open, axial and, selective coding, 272 initial codes, 31 concepts, 6 categories, and 2 classes: intrapersonal competencies class which contains psychological competencies (cognitive competencies, identity, self-esteem, emotion regulation, autonomy, resiliency, taking responsibility/personal discipline), achievement oriented competencies (physical competencies, economic/financial competencies, occupational competencies, educational competencies and goal/schedule) and spiritual competencies (religiosity, and individual ethnics). the interpersonal competencies class which includes interpersonal communication competencies (intimacy/kindness, assertiveness, flexibility/being open to criticism), family relationships competencies (adaptability, communication skills, parent's respect, cooperation and partnership, commitment/loyalty/solidarity, law abiding, compliance) and social competencies (rights of others, law abiding, general relationships, social ethnics, altruism/assisting, adaptation/confirmation seeking and social commitment).

Keywords: Cognitive Dimensions, Parenting, Iran, Interpersonal Competencies, Intrapersonal Competencies

امروزه یکی از دغدغه‌های جاری والدین و روان‌شناسان، پرداختن به این مساله است که چگونه می‌توان فرزندان را پرورش داد که سالم، شاداب و موفق بوده و مطابق با هنجارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار نمایند، به عبارت دیگر سوال بسیاری از والدین و روان‌شناسان این است که برای داشتن فرزندان با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی سازش‌یافته‌تر، چه باید کرد؟ بر همین اساس هم بسیاری از پژوهش‌های ایرانی صورت گرفته در حوزه فرزندپروری، بر جنبه‌های رفتاری فرزندپروری (سبک‌ها) متمرکز بوده‌اند، این در حالی است که جنبه‌های شناختی فرزندپروری، مانند نگرش والدین به فرزندپروری، ارزش‌ها، اهداف و انتظارات والدینی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و یکی از عوامل اساسی تعیین‌کننده رفتارهای والدین به شمار می‌رود (برنشتاین و چیه، ۲۰۱۶). مارینی^۲ (۲۰۰۰، نقل از هیتلین^۳، ۲۰۰۶) معتقد است که ارزش‌ها، باورهای ارزیابی شده‌ای هستند که عناصر شناختی و تأثیرگذار را ترکیب می‌کنند تا به مردمی که در این جهان زندگی می‌کنند، جهت دهند. به عبارت دیگر، شناخت‌ها، اهداف و انتظارات والدین در خصوص داشتن و تربیت یک فرزند خوب، تعیین خواهد کرد که والدین با چه شیوه‌هایی فرزندان خود را پرورش دهند. به همین دلیل در پژوهش حاضر تلاش شده است بخشی از ابعاد شناختی فرزندپروری در بستر فرهنگ، مورد بررسی قرار گیرد.

از سوی دیگر اغلب پژوهش‌های انجام شده در ایران، مبتنی بر نظریات غیر ایرانی رایج در ادبیات روان‌شناسی، مانند نظریه بامریند^۴، صورت‌بندی و اجرا شده و به تفاوت‌های فرهنگی در این زمینه کم‌توجه بوده‌اند، بی‌شک و فراتکین^۵ (۲۰۰۲) معتقدند که فرهنگ به واقعیت معنا می‌دهد؛ فرهنگ نه تنها رفتارهای اجتماعی، بلکه شیوه‌های اندیشیدن و شناخت را نیز در بر می‌گیرد، ما در خلال آموزش‌های فرهنگی مان یاد می‌گیریم که چه معنایی را باید به رویدادهای بیرونی و به ویژه رفتارهای دیگران نسبت دهیم. انسان‌شناسان از واحدهای سازمان‌یافته دانش و شناختی که از راه فرهنگ به افراد منتقل می‌شود، با عنوان سیستم‌ها یا سامانه‌های معنایی فرهنگی^۶ یاد می‌کنند.

بنابر گفته کاستلو^۷ (۱۹۹۷، نقل از کیو^۸، ۲۰۰۲)، یک سامانه معنایی فرهنگی، واقعیتی شناختی^۹ را برای جامعه پی‌ریزی می‌کند. این سامانه‌های معنایی چهار کارکرد دارند: کارکرد ساختاری^{۱۰}؛ (۱) مسائل فرهنگی که از راه ارتباط ایجاد می‌شوند، این مسائل عبارتند از: تشریفات، توضیحات و راه‌هایی برای انجام امور که از نظر اجتماعی مورد توافق هستند. ازدواج و خانواده نمونه‌هایی از این قبیل هستند؛ (۲) کارکرد هدایت‌کنندگی^{۱۱}؛ پدیده‌های فرهنگی که از طریق وفاق گروهی ایجاد می‌شوند، بر شیوه زندگی مردم در آن فرهنگ و گاهی خارج از آن تأثیر می‌گذارند؛ (۳) کارکرد فراخوانی^{۱۲}؛ سامانه معنایی فرهنگی همچنین قواعدی برای چگونگی ابراز احساسات وضع می‌کند. به عنوان مثال، از دست دادن یک عزیز، در همه فرهنگ‌ها افسرده‌کننده است و سوگواری را در پی دارد، ولی این فرهنگ است که می‌گوید این سوگواری چگونه ابراز شود و ادامه آن تا چه زمانی طبیعی است؛ (۴) کارکرد بازنمایی^{۱۳} که برای بازنمایی نمادین جهان و ارتباط بین افراد، نظام‌هایی فراهم می‌آورند، زبان (نوشتاری و گفتاری) و هنر، نمونه‌هایی از این دست هستند.

پادماویدجا و چالو (۲۰۱۰) معتقدند که سامانه‌های معنایی فرهنگی در مورد فرزندپروری، به صورت نسخه‌هایی فرهنگی برای والدین درمی‌آید، این نسخه‌های شناختی - فرهنگی نه تنها تعریف فرزندپروری را تعیین می‌کنند، بلکه نگرش‌ها، اهداف و انتظارات والدین و فرزندان را

1. Bornstein and Cheah

2. Marini

3. Hitlin, S.

4. Baumrind

5. Bates and Fratkin

6. cultural meaning systems

7. Castillo

8. Cave

9. cognitive reality

10. constructive

11. directive

12. evocative

13. representational

هم مشخص می‌نمایند. ساپر و هارکنس^۱ (۲۰۰۲) در تایید نقش فرهنگ در شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتارهای افراد، سامانه باورهای فرهنگی والدین^۲ را که نقش مستقیمی در رفتارهای والدینی ایفا می‌کند، مورد تاکید قرار می‌دهند؛ این سیستم شامل الگوهای فرهنگی^۳ یا ایده‌های شناختی سازمان‌یافته‌ای است که اعضای یک گروه فرهنگی در آنها مشترک هستند، ایده‌هایی که والدین در مورد خانواده، فرزندان و خودشان به عنوان والدین دارند (هارکنس و ساپر، ۲۰۰۶). به اعتقاد هارکنس و ساپر (۲۰۰۶)، همانند سایر الگوهای فرهنگی مرتبط با خود، سامانه باورهای فرهنگی والدین نیز ویژگی‌های انگیزشی قدرتمندی برای والدین دارد. با توجه به نظریه ساپر و هارکنس، به نظر می‌رسد، سامانه باورهای فرهنگی والدین، پلی است شناختی‌انگیزشی، بین آموزه‌های فرهنگی و رفتارهای والدینی، به عبارت دیگر این سامانه، شناخت‌ها، ارزش‌ها و اهداف تربیتی والدین را چهارچوب بخشیده و هدایت می‌کند.

در تایید موارد فوق، ادبیات پژوهشی روان‌شناسی (به عنوان مثال، دومنک‌رودریگز، دونویچ و کراولی، ۲۰۰۹؛ کراکت، وید و راسل^۴، ۲۰۱۰؛ کراکت و چاو، ۲۰۱۰؛ پادماویدججا و چاو، ۲۰۱۰) حاکی از این است که شناخت‌ها و سبک‌های فرزندپروری والدین متاثر از بافت فرهنگی آنهاست و علت تفاوت در سبک‌های فرزندپروری بین جوامع و گروه‌های قومی مختلف، به تفاوت‌های فرهنگی در شناخت‌ها، ارزش‌های تربیتی و معنای مولفه‌های فرزندپروری برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر مولفه‌های خاص (مانند کنترل)، معانی متفاوتی برای فرهنگ‌های مختلف دارند، به عنوان مثال والدین مهاجر آسیایی آمریکایی اعتقاد دارند که کودکان نیازمند راهنمایی‌های بیشتری برای رشد مطلوبشان هستند، بنابراین از نظر این والدین کنترل رفتار بچه‌ها، نه تنها ضروری است، بلکه خود نوعی مسوولیت مهم برای والدین به شمار می‌رود، بنابراین طبیعی است که این والدین، بیشتر از والدین اروپایی آمریکایی، با استفاده از کنترل به فرزندپروری بپردازند (پادماویدججا و چاو، ۲۰۱۰). به اعتقاد کارلسون و هاروود (۲۰۰۳)، در فرهنگی که فرمانبرداری، ادب و احترام و انجام نقش‌های خانوادگی مهم تلقی گردد، رفتارهای کودک به دقت زیرنظر گرفته می‌شود.

بر اساس یافته‌های راسل، کراکت و چاو (۲۰۱۰)، والدین آسیایی آمریکایی عموماً [به ویژه پدران] به صورت گشاده‌ای به ابراز هیجان خود نمی‌پردازند، به جای آن، آنها عشق و احساسات خود را در قالب حمایت‌های ابزاری (مانند برآورده ساختن کوچکترین نیازها، توجه ویژه به مسایل آموزشی) و فداکاری نشان می‌دهند. وو^۵ و چاو (۲۰۰۵)، نقل از کراکت، وید و راسل، ۲۰۱۰) دریافته‌اند که نوجوانان چینی آمریکایی، در مقایسه با نوجوانان اروپایی آمریکایی، سطوح پایین‌تری از گرمی و محبت والدین را گزارش کردند. آنها معتقدند که این تفاوت ریشه در آموزه‌های کنفوسیوس در مورد خودکنترلی، بازداري هیجانی و حفظ فاصله عاطفی در روابط دارد. پارک و کوون^۶ (۲۰۰۹) نشان دادند که برای والدین گره ای داشتن فرزندان با ویژگی‌های ادب، اعتدال، صداقت، خوشرویی، خودمختاری و محافظه‌کاری^۷ ارزشمند است، در حالی که مادران ژاپنی بر ویژگی‌هایی مانند مهربانی، همدلی، حساسیت، ادب و عدم آزار دیگران تاکید می‌کنند (هالووی و ناگاس^۸، ۲۰۱۴) و والدین هندی پیوند خانوادگی، انسجام، وفاداری، اطاعت، باورهای مذهبی و پیشرفت تحصیلی و شغلی را مهم می‌دانند (ایساک، آنی و پراشانث^۹، ۲۰۱۴).

معدنی‌پور، رستمی و معدن‌دار (۱۳۸۹) در یک طرح پژوهشی به مقایسه‌ی مهمترین ارزش‌های خانوادگی (ایمان، اطاعت، استقلال، سخت‌کوشی، پشتکار، قناعت، گذشت و احترام، عدم خودخواهی و احساس مسئولیت) در بین کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای میانه پرداختند؛ نتایج این مقایسه نشان داد که احساس مسئولیت و ایمان مذهبی در نزد والدین ایرانی در کنار کشورهایی مانند پاکستان، الجزایر،

1. Super and Harkness

2. parent's Cultural belief systems or parental ethnotheories

3. cultural models

4. Crockett, Veed and Russell

5. Wu

6. Park & Kwon

7. conservation

8. Holloway & Nagase

9. Isaac, Annie and prashanth

مصر، عراق، اردن و مراکش از اولویت بالایی برخوردار است؛ استقلال، سخت‌کوشی و گذشت و احترام به دیگران در کنار کشورهایی مانند الجزایر، مصر، پاکستان، عربستان، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان از اهمیت متوسطی برخوردار است و پس‌انداز، اطاعت، عدم خودخواهی و پشتکار در کنار کشورهایی مانند مصر، الجزایر، اسرائیل، اردن، عربستان، ترکیه و گرجستان از اهمیت پایینی برخوردار است.

نگاهی گذرا به یافته‌های پژوهشی این حوزه حاکی از این است که علی‌رغم شباهت‌هایی در ارزش‌های فرزندپروری فرهنگ‌های مختلف، این فرهنگ‌ها دارای تفاوت‌های قابل توجهی هم هستند، علاوه بر این، فرهنگ اسلامی ایرانی، دارای برخی ویژگی‌های منحصر به خود است که می‌تواند سبک‌های فرزندپروری والدین را تحت‌الشعاع قرار دهد، این فرهنگ از یک سو شناخت‌ها، ارزش‌ها و اهداف والدینی را تحت تاثیر قرار داده و از اهدافی فردی و اجتماعی به اهدافی متعالی و انسانی تبدیل می‌کند و از سوی دیگر شیوه‌ها را به شیوه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تبدیل می‌نماید. به عنوان مثال باور به تاثیر لقمه حلال، به صورت غیرمستقیم فرزندپروری را متاثر می‌کند. بر اساس جستجوهای پژوهشگران، در سال‌های اخیر یک پژوهش کیفی بومی در این زمینه انجام گرفته است؛ حلی‌ساز، مظاهری، پناغی و حسنی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "ارزش‌های فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله"، ۵ مضمون اصلی را استخراج نمودند: ۱) مقبولیت از نظر دیگران (مهربانی، محبوبیت، داشتن توان مذاکره، سازش با همسالان، مودب بودن، خوش‌برخورد بودن و ملاحظه‌گری)؛ ۲) داشتن ارزش‌های انسانی (صبر، بخشش، صداقت، قناعت، سخاوت و عدالت)؛ ۳) قائل بودن جایگاه خاص برای والدین (احترام، حرف‌شنوی، فرمانبرداری، همانندسازی و درک والدین)؛ ۴) داشتن گرایش‌های مذهبی (ایمان به خدا و انجام مناسک دینی)؛ ۵) پایبندی به ارزش‌های فرهنگی (مانند احترام به بزرگ‌ترها).

دلیل سوم صورت‌بندی پژوهش حاضر این است که اغلب پژوهش‌های انجام شده در زمینه فرزندپروری، در قالب پژوهش‌های کمی و با استفاده از پرسشنامه‌های رایج مبتنی بر سایر فرهنگ‌ها طراحی و اجرا شده است، در حالی که برای استخراج مولفه‌های بومی فرزندپروری، روش تحقیق کیفی مزیت‌های فراوانی دارد و می‌تواند دانش نظری ما را در این زمینه گسترش داده و چشم‌اندازهای عملی روشنی را نیز در برابر ما بگستراند. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از یک روش کیفی، ابعاد شناختی فرزندپروری، یعنی نگرش والدین در مورد ارزش‌ها و اهداف فرزندپروری را مورد توجه قرار داده و در پی آن است که مولفه‌های اصلی و فرعی ارزش‌ها و اهداف والدین ایرانی را استخراج نماید.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر، از حیث هدف جزو مطالعات بنیادی، از نظر ماهیت داده‌های جمع‌آوری شده جزو مطالعات کیفی و شیوه مورد استفاده در آن، نظریه زمینه‌ای^۱ یا داده‌بنیاد است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل کلیه والدین دارای فرزند بالای ده سال (وجود امکان مصاحبه با فرزند در صورت لزوم) ساکن تهران و کرج در مقطع زمانی تابستان ۱۳۹۵ تا تابستان ۱۳۹۶ است. تهران و کرج به این دلیل به عنوان مکان اجرای پژوهش انتخاب شد که می‌توان آن‌ها را به نوعی ایران کوچک تعبیر نمود، چرا که طیف وسیعی از اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران در این دو شهر حضور دارند.

انتخاب نمونه در روش کیفی به ندرت احتمالی یا تصادفی است، در عوض تمامی آنها هدفمند^۲ و مبتنی بر مقصود پژوهش صورت می‌گیرد (هومن، ۱۳۸۵). روش نمونه‌گیری هدفمند به معنای انتخاب هدف‌دار نمونه‌های پژوهش جهت دسترسی به اطلاعات مورد نظر در زمینه خاص است، که امکان حداکثری درباره پاسخ سوالات مورد نظر را فراهم می‌سازند (کرسول، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر نمونه‌ای که اطلاعات حداکثری را در اختیار پژوهشگر قرار می‌داد، والدینی بودند که دارای فرزند باشند. علاوه بر این در انتخاب نمونه مورد نظر تنوع زبان‌ها و

1. Grounded theory

2. purposeful or purposive

خرده‌فرهنگ‌ها نیز لحاظ شد، به عبارت دیگر والدینی از قومیت‌های مختلف ایرانی در نمونه حضور داشتند. به عبارت دیگر روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر نمونه‌گیری هدفمند با تغییرات بیشینه^۱ است.

در خصوص حجم نمونه، استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۸) معتقدند که هنگام به کار بستن اصول نظریه زمینه‌ای برای تعیین مقوله‌ها، پژوهشگر باید تا سرحد اشباع نظری اطلاعات جمع‌آوری کند. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که در رابطه با مقوله‌های مورد نظر، هیچ داده جدید و مرتبطی یافت نشود و چنین جلوه کند که رابطه بین مقوله‌ها به خوبی تثبیت شده است. در پژوهش حاضر در کدگذاری اولیه اهداف و ارزش‌های فرزندپروری والدین ایرانی، اشباع در مصاحبه ۳۱ حاصل شد ولی مصاحبه‌ها تا مصاحبه ۳۳ ادامه یافت.

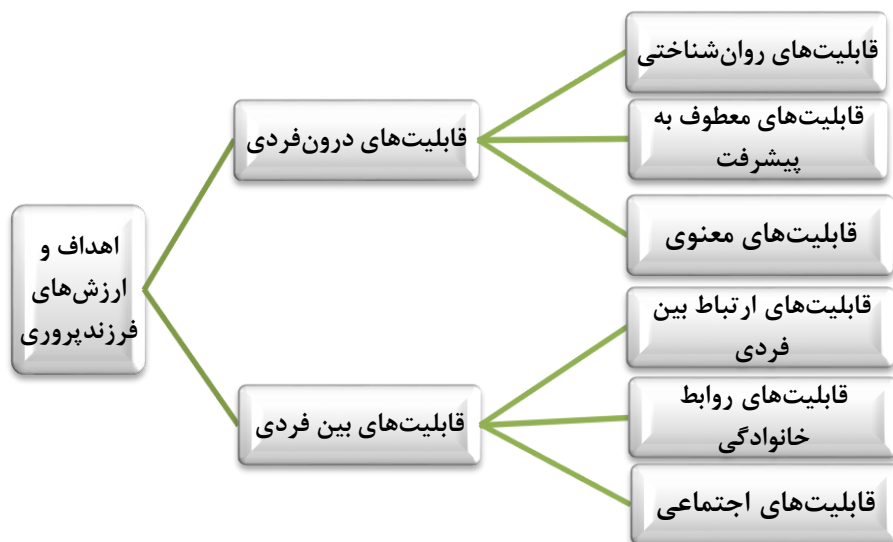
ابزار و روش گردآوری اطلاعات

عمده‌ترین روش گردآوری اطلاعات بخش کیفی، یک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته از والدین بود. این مصاحبه به صورت صوتی، ضبط شده و برای کدگذاری روی کاغذ پیاده شد. پس از حصول اشباع نظری داده‌ها در فرایند مصاحبه، با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از شرکت‌کننده کان در پژوهش به شناسایی کدهای اولیه، زیر مقوله‌ها و مقوله (شاخص) اصلی پرداخته شد.

بر اساس شیوه‌نامه استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، (۱) پژوهشگر مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای را متناسب با اهداف پژوهش طراحی نمود. در این مصاحبه، سوال‌ها در یک راهنمای مصاحبه، با تمرکز بر مسائلی که باید پوشش داده شود و مسیرهایی که باید پیگیری شود، گنجانده شدند. (۲) پس از اتمام هر مصاحبه، پژوهشگر محتوای مصاحبه را روی کاغذ پیاده کرده و شروع به "کدگذاری باز" مواد نمود. (۳) از طریق فن "کدگذاری محوری"، ارتباط بین مقوله‌ها کشف گردید. کدگذاری محوری به فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی اطلاق می‌شود. (۴) کدگذاری گزینشی: یکپارچه کردن و پالایش نظریه. (۵) نوشتن تحلیل.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، پس از تحلیل تفصیلی، بر اساس تشابه معنایی، به سطوح انتزاعی‌تری ارتقاء یافتند و در نهایت، ۲۷۲ کد اولیه، در ۳۱ مفهوم، ۶ مقوله و ۲ طبقه سازمان یافتند. شکل ۱، کلیات و جدول ۱ جزئیات مفاهیم، مقولات و طبقات را نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمای کلی اهداف و ارزش‌های فرزندپروری والدین مسلمان ایرانی

^۱ . maximum variation

^۲ . Strauss, A. & Corbin, J.

جدول ۱. فهرست طبقات، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی مربوط به اهداف فرزندپروری والدین ایرانی

طبقه	مقوله	مفهوم	نمونه کدهای اولیه
قابلیت‌های درون فردی	قابلیت‌های روان‌شناختی	هویت / خودشناسی	باور و چهارچوب شخصی؛ داشتن حریم و خط قرمز؛ ارزش‌های درونی شده؛ هرهری نبودن
		حرمت خود	پذیرش خود؛ عشق به خود؛ ارزش قائل شدن برای خود؛ اختصاص وقت برای خود؛ مراقبت از خود
		تنظیم هیجانی	خویشتن‌داری؛ صعه صدر؛ مدیریت خشم؛ تعادل هیجانی؛ ثبات هیجانی؛ پرهیز از بحث و جدل
		خودمختاری	استقلال شخصیتی؛ اعتماد به نفس؛ با اراده؛ حرکت آگاهانه؛ ارزشهای درونی شده؛ آزادی عمل
	قابلیت‌های معنوی	سخت‌رویی / تاب‌آوری	صبور بودن؛ قدرت سازگاری با ناملایمات؛ تحمل دشواری‌ها، محرومیت و ناکامی؛ مبارزه‌جویی
		مسئولیت‌پذیری / نظم فردی	وقت‌شناسی / مدیریت زمان؛ وظیفه‌شناسی؛ مداومت و اتمام کارها؛ برنامه‌ریزی؛ پرهیز از اهمال
		قابلیت‌های شناختی	قدرت تحلیل؛ قدرت تمیز؛ تفکر انتقادی؛ تمرکز؛ انتخاب آگاهانه؛ توان اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری
	قابلیت‌های معنوی	قابلیت‌های جسمی	اهمیت دادن به سلامت جسمی؛ خیلی فکر شکم نبودن؛ تناسب اندام؛ ورزش کردن؛ پرهیز از مواد ساده‌زیستی؛ صرفه‌جویی؛ پس‌انداز؛ پرهیز از اسراف؛ قناعت؛ اقتصادی بودن؛ پرهیز از تجملات
		قابلیت‌های اقتصادی / مالی	ثبات شغلی؛ مسئولیت‌پذیری شغلی؛ اخلاق شغلی؛ درآمد حلال؛ کار در محیط سالم؛ رقابت در کار
		پیشرفت	شوق تحصیل و یادگیری؛ کمال‌گرایی تحصیلی؛ مسئولیت‌پذیری / نظم تحصیلی؛ رقابت در درس
قابلیت‌های اجتماعی	هدف و برنامه	هدفمندی؛ اولویت‌بندی نیازها؛ داشتن الگوی پیشرفت؛ برنامه‌ریزی؛ آینده‌نگری؛ مدیریت زمان	
	دینداری	دین آگاهانه؛ ایمان به خدا، نبوت و امامت؛ آشنایی به احکام؛ انجام مناسک؛ پرهیز از محرمات	
	اخلاق فردی	صالح بودن؛ آزادی / انسانیت؛ تاخیر انداختن خواسته‌ها؛ اخلاق جنسی؛ استفاده سالم از فناوری‌ها	
	قابلیت‌های ارتباطی	دلسوزی؛ حفظ حرمت دوستان؛ گذشت و بخشش در حق دیگران؛ فراموش نکردن نیکی دیگران؛ ادب و صراحت در رابطه؛ منفعل نبودن در رابطه؛ مطرح کردن منطقی خواسته‌ها؛ قدرت نه گفتن	
قابلیت‌های بین فردی	قابلیت‌های ارتباطی	انعطاف / انتقادپذیری	سازگاری با همسالان؛ سرکش / لجباز نبودن؛ پذیرش اشتباهات؛ فروتنی؛ کوتاه آمدن متعادل
		سازگاری	درک شرایط والدین؛ درک شرایط اقتصادی خانواده؛ تحمل نظر مخالف والدین؛ آرام، کم‌بهاوه
	قابلیت‌های خانوادگی	مهارت‌های ارتباطی	متقاعد کردن والدین؛ مذاکره با والدین؛ خوشرفتاری با برادر و خواهر
		احترام والدین	نشکستن دل پدر و مادر؛ نبردن آبروی والدین؛ پا را جلوی پدر دراز نکردن؛ حاضر جواب نبودن
		همکاری و مشارکت	همکاری با والدین؛ کمک به والدین؛ کمک در کارهای خانه؛ داشتن نقشی در خانواده
	قابلیت‌های اجتماعی	تعهد / وفاداری / انسجام	حفظ انسجام خانوادگی؛ در چهارچوب خانه بودن؛ پایبندی به خانواده؛ رفیق باز نبودن؛ صله رحم
		قانون‌پذیری	رعایت قوانین خانه؛ مسئولیت‌پذیری؛ مدیریت رفت و آمد؛ انجام خودکار وظیفه؛ نظم و انضباط
قابلیت‌های اجتماعی	اطاعت	رسیدن به آرزوهای نرسیده والدین؛ تسلیم امر والدین؛ فرمانبردار؛ عمل بر اساس خواسته والدین؛ رعایت خطوط قرمز والدین؛ سربه راه	
	حقوق دیگران	عدم مزاحمت برای دیگران؛ رعایت حق الناس؛ عدم دخالت در کار دیگران؛ حفظ حرمت دیگران	
	قانون‌پذیری اجتماعی	احترام به قانون؛ رعایت نظم اجتماعی؛ پرهیز از کار خلاف	
	روابط عمومی	خوش اخلاق؛ خونگرم؛ خوش‌مشرب؛ شوخ‌طبع؛ اجتماعی بودن؛ شروع‌کننده ارتباط؛ برون‌گرا	
	اخلاق اجتماعی	پاکدستی؛ امانت‌داری؛ فروتنی؛ عدم تجسس در کار دیگران؛ عدالت؛ حرمت بزرگ‌ترها؛ نجابت	
قابلیت‌های اجتماعی	نوع‌دوستی / یاریگری	خدمت به محرومان؛ مردم‌داری؛ حمایت از سالمندان؛ بی‌تفاوت نبودن در مقابل مسائل دیگران	
	سازگاری / تاییدجویی	جلب حمایت و احترام دیگران؛ جلب رضایت دیگران؛ کسب مقبولیت / پذیرش اجتماعی؛ نیک‌نامی	
تعهد اجتماعی	خدمت به کشور خود؛ مراقبت از محیط زیست؛ توجه به مصالح جامعه؛ کمک به پیشرفت جامعه		

قابلیت‌های درون فردی

قابلیت‌های بین فردی

جدول ۲. رتبه‌بندی مقوله‌های اهداف فرزندپروری از نظر میزان فراوانی

مقوله	مفهوم	تعداد کدها	مجموع فراوانی کدها	نسبت
قابلیت‌های ارتباط خانوادگی	سازگاری خانوادگی	۶	۴۰	۶/۶۷
	مهارت‌های ارتباطی	۳	۱۰	۳/۳۳
	احترام والدین	۷	۴۸	۶/۸۶
	همکاری و مشارکت	۴	۱۲	۳
	تعهد/ وفاداری/ انسجام	۹	۷۳	۸/۱۱
	قانون‌پذیری خانوادگی	۶	۶۱	۱۰/۱۷
	اطاعت	۱۱	۱۰۲	۹/۲۷
	جمع کل	۴۶	۳۴۶	۷/۵۲
قابلیت‌های معطوف به پیشرفت	قابلیت‌های جسمی	۷	۱۶	۲/۲۹
	قابلیت‌های اقتصادی/ مالی	۷	۱۹	۲/۷۱
	قابلیت‌های شغلی	۹	۶۲	۶/۸۹
	قابلیت‌های تحصیلی	۴	۷۶	۱۹
	هدف و برنامه	۲۰	۱۳۸	۶/۹۰
جمع کل	۴۷	۳۱۱	۶/۶۲	
قابلیت‌های اجتماعی	حقوق دیگران	۶	۲۵	۵/۸۳
	قانون‌پذیری اجتماعی	۳	۴	۱/۳۳
	روابط عمومی	۹	۵۵	۶/۱۱
	اخلاق اجتماعی	۲۷	۱۰۷	۳/۹۶
	نوع‌دوستی/ یاریگری	۸	۳۲	۴
	سازگاری اجتماعی/ تاییدجویی	۶	۳۷	۶/۱۷
	تعهد اجتماعی	۷	۹	۱/۲۹
	جمع کل	۶۶	۲۷۹	۴/۲۳
قابلیت‌های ارتباط بین فردی	صمیمیت (مهرورزی/ همدلی)	۱۱	۳۲	۲/۹۱
	قاطعیت	۱۲	۶۲	۵/۱۷
	انعطاف/ انتقادپذیری	۷	۲۴	۳/۴۳
	جمع کل	۳۰	۱۱۸	۳/۹۳
قابلیت‌های معنوی	دینداری	۲۴	۸۹	۳/۷۱
	اخلاق فردی	۲۲	۸۵	۳/۸۶
	جمع کل	۴۶	۱۷۴	۳/۷۸
قابلیت‌های روان‌شناختی	هویت / خودشناسی	۷	۱۳	۱/۸۶
	حرمت خود	۱۸	۳۳	۱/۸۳
	تنظیم هیجانی	۱۲	۳۷	۳/۰۸
	خودمختاری	۹	۳۷	۴/۱۱
	سخت‌رویی/ تاب‌آوری	۷	۱۸	۲/۵۷
	مسئولیت‌پذیری/ نظم فردی	۶	۶۷	۱۱/۱۷
	قابلیت‌های شناختی	۱۱	۳۳	۳
	جمع کل	۷۰	۲۳۸	۳/۴۰

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از نظر والدین ایرانی شرکت کننده در پژوهش، در بعد مقوله‌ها، قابلیت‌های مربوط به خانواده از بالاترین اولویت برخوردار بوده و قابلیت‌های روانشناختی در اولویت آخر قرار دارد. قابلیت‌های معطوف به پیشرفت در رتبه دوم قرار دارد. قابلیت‌های اجتماعی و بین فردی در میانه این رتبه‌بندی (۳ و ۴) قرار دارند و قابلیت‌های معنوی در اولویت پنجم قرار گرفته است. جدول شماره ۲ همچنین نشان می‌دهد که پنج مفهوم دارای اولویت از منظر والدین ایرانی به ترتیب عبارتند از قابلیت‌های تحصیلی از مقوله قابلیت‌های معطوف به پیشرفت، مسئولیت‌پذیری/ نظم فردی از مقوله قابلیت‌های روان‌شناختی، و ۳ مفهوم قانون‌پذیری خانوادگی، اطاعت از والدین و تعهد/ وفاداری/ انسجام خانوادگی از قابلیت‌های خانوادگی.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف استخراج اهداف و اولویت‌های فرزندپروری والدین مسلمان ایرانی انجام گرفت و نتایج نشان داد که والدین ایرانی دوست دارند که فرزندان آنها ۲۷۲ ویژگی را کسب نمایند، این ویژگی‌ها در قالب ۳۱ مفهوم، ۶ مقوله و دو طبقه اصلی دسته‌بندی می‌شوند (جدول ۱). بحث در خصوص یافته‌ها را با مشترکات بین فرهنگ‌ها آغاز می‌کنیم، نتیجه پژوهش حاضر در زمینه اخلاق فردی و اجتماعی مانند ادب، صداقت، گذشت، سخاوت، عدالت، فروتنی و صبوری با پژوهش‌های بسیاری از فرهنگ‌ها همانند یافته‌های ونگ و تامیس-لموندا^۱ (۲۰۰۳)، تالویست و آتونن (۲۰۰۷) همخوانی دارد. پارک و کی‌وون^۲ (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که برای والدین کره‌ای داشتن فرزندی با ویژگی‌های ادب، اعتدال، صداقت، خوشرویی، خودمختاری و محافظه‌کاری^۳ ارزشمند است. اهمیت خانواده و جایگاه والدین نیز از مشترکات بسیاری از فرهنگ‌ها است، در پژوهش تالویست (۲۰۱۳)، مادران اهل استونی و در پژوهش ونگ و تامیس-لموندا (۲۰۰۳)، هر دو گروه از مادران آمریکایی و تایوانی بر اطاعت از والدین و احترام به ایشان تاکید نمودند. ریزونر و لانه^۴ (۲۰۰۷) در این زمینه معتقدند که برخی از ارزش‌ها مانند صداقت، وفاداری به خانواده و احترام به دیگران در اکثر فرهنگ‌ها مشترک است. به عبارت دیگر برخی از ارزش‌های انسانی تا حدی جهان شمول بوده و ارزش‌های اخلاقی مشترک در اکثر جوامع، به حساب می‌آیند و در نتیجه در اغلب جوامع فرهنگی بر بسیاری از آنها تاکید می‌شود. البته در کم و کیف هر کدام از این ارزش‌ها ممکن است در بین فرهنگ‌های مختلف تفاوت وجود داشته باشد، به عنوان مثال جایگاه والدین شامل احترام، اطاعت و فرمان برداری و حرف شنوی از والدین ارزشی است که در پژوهش حاضر و بسیاری از پژوهش‌ها مورد تاکید والدین قرار دارد ولی تفاوت‌هایی هم بین فرهنگ‌ها وجود دارد، در پژوهش سوزو^۵ (۲۰۰۷) والدین چینی-آمریکایی، آفریقایی-آمریکایی و مکزیکی-آمریکایی، بیشتر از والدین اروپایی-آمریکایی بر ارتباط نزدیک و وفاداری نسبت به خانواده تاکید نمودند که نشان از اهمیت خانواده نزد ایشان دارد. ایساک، آنی و پراشانث^۶ (۲۰۱۴) نیز نشان دادند که والدین هندی پیوند خانوادگی، انسجام، وفاداری، اطاعت، باورهای مذهبی و پیشرفت تحصیلی و شغلی را مهم‌تر از سایر فرهنگ‌ها می‌دانند، موضوعی که در فرهنگ ایران نیز از اهمیت بیشتری نسبت به سایر ارزش‌ها برخوردار است. علاوه بر آن در فرهنگ ایران آموزه‌های دینی نیز چاشنی مسایل فرهنگی شده و این موضوع را از اهمیت بسزایی برخوردار کرده است. از همین موضوع وارد ویژگی‌های خاص فرهنگ ایران می‌شویم.

در مقدمه عنوان شد که فرهنگ به واقعیت معنا می‌دهد، از آنجا که معنا را زمینه فرهنگی فراهم می‌کند و این زمینه‌ها نیز متفاوت هستند، معنای کنش‌های خاص می‌تواند در زمینه‌های فرهنگی متفاوت، تفسیرهای متفاوتی بپذیرد و مردم جوامع گوناگون می‌توانند، جهان را به

1. Wang & Tamis-Lemonda

2. Park & Kwon

3. conservation

4. Reasoner & Lane

5. Suizzo

6. Isaac, Annie and prashanth

شیوه‌های گوناگون درک نموده و تفسیر کنند. از سوی دیگر با توجه به این که باورها و ارزش‌های هر جامعه یک واقعیت فرهنگی است (بیتس و فراتکین، ۲۰۰۲)، پس طبیعی است که فرهنگ‌های مختلف دارای ارزش‌های متفاوتی بوده یا لاقلاً درک متفاوتی از ارزش‌های خاص داشته باشند. ویژگی‌های فرهنگی ایران هم موجب شده است که برخی از ویژگی‌ها و مقولات از اولویت ویژه‌ای در نزد والدین ایرانی برخوردار باشند که با یافته‌های سایر فرهنگ‌ها تفاوت‌هایی دارد. در ادامه این بخش به بحث در خصوص این یافته‌ها خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که خانواده از اهمیت بسیار بالایی در میان والدین ایرانی برخوردار است. یکی از مفاهیم عمده مستخرج از سخنان والدین ایرانی، اهمیت بسیار زیاد خانواده، چهارچوب‌های آن و حفظ انسجام خانوادگی و اولویت خانواده به سایر ارزش‌ها است. ادات تأکیدی که والدین در این زمینه به کار می‌برند، حکایت از اهمیت موضوع در نزد والدین ایرانی دارد. آقای ۴۳ ساله‌ای که یک پسر ۱۸ ساله و یک دختر ۲۰ ساله دارد در این زمینه چنین می‌گوید: "در چارچوب خونه باشه واقعاً خیلی مهمه، من همیشه از بچگی به بچه هام میگفتم درس تو مرحله ی بعدیه، خیلی مقیدم که بچه تو چارچوب خونه باشه بچه ای که بیرون باشه واقعاً بیزارم، خیلی برام مهمه که تو چارچوب خانواده بچه بزرگ شده باشه. الگوش رو از خانواده بگیره این برام مهم ترین چیزه". این موضوع به حدی مهم است که یکی از ابزارهای تهدید والدین به شمار می‌رود. مادر ۴۹ ساله‌ای خطاب به نوجوان ۱۸ ساله خود می‌گوید: "یا کات میکنی یا با ایشونی یا با خانواده‌ات". مادر ۴۰ ساله‌ای در خصوص اهمیت خانواده و انسجام آن چنین می‌گوید: "ما تو خونمون این حکمه که هممون دور میز بشینیم و با هم غذا بخوریم، تکی غذا خوردن یا هر کی غذاشو برادره بره اتاق خودش رو اصلاً نمی‌پسندم، چون کار میکنم ساعتی که میام خودم، میز رو می‌چینم بچه ها رو صدا میزنم حتی اگه خواب باشه غذا نمیخورم تا تو بیای، منتظرتم یعنی حس خوبی رو فکر میکنم به بچه میده".

۷ مفهوم سازگاری خانوادگی، مهارت‌های ارتباطی، احترام والدین، همکاری و مشارکت، تعهد/ وفاداری/ انسجام، قانون‌پذیری خانوادگی و اطاعت، ذیل عنوان قابلیت‌های خانوادگی قرار گرفتند. قانون‌پذیری خانوادگی و اطاعت از والدین دارای بالاترین رتبه در میان مفاهیم خانواده هستند؛ مادر ۴۹ ساله‌ای می‌گوید: "بچه باید مطیع خدا و پدر و مادرش باشه". مادر ۳۹ ساله‌ای در این مورد می‌گفت: "از لحاظ اخلاقی، رفتاری تو خونه یک جورایی مطیع باشه، این تقاضای منه شخصاً". مادر دیگری می‌گوید: "در برابر والدین تربیت پذیر باشه، در برابر والدین نافرمان نباشه، خلاف میل خانواده راه نره؛ چیزی بشه که والدین می‌خواهند".

یکی از ویژگی‌های بارز در والدین ایرانی در این زمینه، اهمیتی است که آنها برای حرف شنوی قایل هستند و این قاعده در تمام سنین تا زمانی که فرزند ازدواج نکرده کاملاً صادق است و برخی از والدین این قاعده را تا ابد می‌دانند. "بچه نباید روی حرف والدین حرف بزند"، جمله‌ای است که به وفور از زبان برخی والدین شنیده می‌شود. شاید نکته منفی این مساله این باشد که بسیاری از والدین این قاعده را با چاشنی آموزه‌های دینی ابلاغ می‌کنند و از این طریق در فرزند خود احساس گناه هم ایجاد می‌کنند. با وجود اینکه حتی مبتنی بر آموزه‌های اسلام به ویژه دوره‌های سه‌گانه تحول از منظر روایات اسلامی، نقش تصمیم‌گیرندگی والدین در هفت سال سوم کمتر شده و به تسهیل‌کنندگی تبدیل می‌گردد.

بسیاری از اندیشمندان در مورد تغییر ارزش‌های خانوادگی در گذر زمان و به خصوص در سالهای اخیر صحبت کرده‌اند. یکی از بحث‌انگیزترین مسائل در این خصوص بررسی دو ویژگی اطاعت و استقلال می‌باشد. برای مثال آلون (۱۹۸۹) در مورد جامعه آمریکا تأکید می‌کند که ارزش‌هایی چون پندپذیری و سازگاری کمرنگ شده است و در مقابل ارزش و اهمیت استقلال و خودراهبری، پررنگتر شده است. او همچنین در مطالعه نسلی که با استفاده از داده‌های سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۳ انجام داد به این نتیجه رسید که حتی والدین نسل‌های جدیدتر در مقایسه با والدین نسل‌های گذشته کمتر ویژگی‌هایی چون اطاعت را برای فرزندانشان، ویژگی‌های ارزشمندی می‌دانند (آلون، ۱۹۹۰). آلون (۱۹۹۰) تأکید می‌کند که مطالعات مختلف در کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن، در دوره‌های مختلف نشان می‌دهند که تأکید والدین به ارزش‌هایی چون استقلال در حال افزایش و تأکید آنها به ارزش‌هایی چون اطاعت در حال کاهش است. یافته‌های پژوهش حاضر کاملاً بر خلاف

1. Alwin, D. F.

آلومین (۱۹۹۰)، حاکی از این است که کماکان در نزد والدین ایرانی اطاعت از جایگاه بالاتری برخوردار است. این یافته با گزارش معدنی‌پور، رستمی و معدن‌دار (۱۳۸۹) مبنی بر اهمیت پایین اطاعت از منظر والدین ایرانی نیز ناهمخوان است. رتبه‌بندی مفاهیم مربوط به اطاعت و سازگاری با والدین در مقایسه با استقلال کاملاً گویای این مساله است (قانون‌پذیری: ۶ کد، ۶۱ فراوانی، نسبت: ۱۰/۱۶؛ اطاعت: ۱۱ کد، ۱۰۲ فراوانی، نسبت: ۹/۲۷؛ تعهد/ وفاداری/ انسجام: ۹ کد، ۷۳ فراوانی، نسبت: ۸/۱۱؛ سازگاری: ۶ کد، ۴۰ فراوانی، نسبت: ۶/۶۷؛ استقلال: ۹ کد، ۳۷ فراوانی، نسبت: ۴/۱۱).

تصور اولیه پژوهشگر نیز بر این بود که مساله ساختار و کنترل زیاد، در والدین امروزی ایران، تا حد زیادی حل شده باشد، ولی محتوای مصاحبه‌ها حکایت از این داشت که این موضوع کماکان یکی از کدهای پرتکرار در مصاحبه‌ها است، با یک تفاوت محسوس در مقایسه با گذشته و آن اینکه مضمون ساختار از کنترل و اطاعت به مراقبت تغییر کرده، ولی اصل آن در طول زمان ادامه یافته است. چنانچه در بخش دلبستگی فصل دوم بیان شد، مفهوم الگوهای فعال درونی، پایه و اساس فهم چگونگی تأثیر فرایندهای دلبستگی در روابط بزرگسالی بوده (پیتروموناکو و بارت، ۲۰۰۰) و علت اصلی تداوم و پیوستگی بین تجارب دلبستگی اولیه با شناخته‌ها، احساسات و رفتارها در روابط بعدی است (میکولینسر و شاور، ۲۰۰۵). این الگوها در مراحل مختلف رشد هشیارانه و ناهشیارانه (عمدتاً ناهشیارانه) در سطح روابط میان فردی تعمیم یافته، نقش مهمی در شکل‌گیری شناخته‌ها، عواطف، رفتارها و به طور کلی، هویت ما بازی کرده و معمولاً در مقابل اصلاح و تغییر مقاومند (کولینز و فیینی، ۲۰۰۴؛ رایلی، ۲۰۰۹). از طرف دیگر تغییری که در روح زمان رخ داده، این است که قوانین و آموزش‌های مربوط به حقوق کودک و آگاهی والدین از این قوانین و اصول رفتار با کودک موجب شده است که بسیاری از والدین امروزی تغییراتی جدی در شیوه‌های والدگری خود ایجاد نمایند. اتفاق دیگری که افتاده، این است که امروزه رسانه‌ها در کمترین زمان ممکن حوادث و رخدادهای مختلف را در بین میلیون‌ها نفر منتشر می‌کنند و حوادث مربوط به سوء استفاده از کودکان تا حد زیادی حساسیت والدین را بالا برده و در برخی از والدین که دارای سبک دلبستگی اضطرابی هستند، خود را به صورت مراقبت افراطی نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان چنین گفت که ساختار زیاد و میل به کنترل بر اساس آموزه‌های نظریه دلبستگی در والدین فرهنگ ما در طول زمان دوام داشته ولی با توجه به روح زمان، مضمون آن تغییر یافته است. در این زمینه می‌توان به تغییر سبک استبدادی سخت به استبدادی نرم نیز اشاره کرد.

احترام به والدین یکی از اساسی‌ترین و پرتعدادترین مفاهیمی است که در مصاحبه با والدین مشاهده می‌شود. تقریباً در تمام مصاحبه‌ها تصریحاً یا تلویحاً به این مساله تأکید شده است. مادر ۲ پسر نوجوان خطاب به آنها می‌گوید: "احترام به پدر و مادرش خیلی برام مهمه مثلاً به پسر می‌گم پات رو جلوی پدرت دراز نکنی. این اعتقاد رو داشته باشه که دل پدرومادر شکسته نشه دعای خیر پشت سرشون باشه". احترام بزرگترها به ویژه مادر بزرگ و پدر بزرگ یکی دیگر از مواردی است که در بسیاری از مصاحبه‌ها دیده می‌شود و یکی از خطوط قرمز والدین ایرانی به شمار می‌رود: مادر ۴۱ ساله‌ای چنین می‌گوید: مادر بزرگش با ما زندگی میکنه، من خیلی سرش حساسم، حتماً باید بهش احترام بزارن، بلند باهاش حرف نزنن، غر نزنن پشت سرش. مادری ۴۲ ساله (فرزند ۱۸ ساله) در پاسخ به این سوال که منظورتون از اینکه به پدر و مادر احترام بذاره چیه؟ این پاسخ را می‌دهد: حتی اگه بنظرم مخالف عقاید ما هم باشه ولی این مخالفتش رو تو رفتارش نشون نده. سعی کنه تحملمون کنه یا اگر نظرش مخالفه نظر ماس، ما رو متقاعد کنه. اینکه بخواد جلو رومون وایسته یا نظرش خلاف ماست اون رو اعمال کنه، دیکتاتور باشه اینو دوست ندارم. پدر ۴۰ ساله‌ای چنین می‌گوید: احترام والدین یعنی جواب بزرگتر رو ندادن، حرفشون رو گوش کردن، از تجربیاتشون استفاده کردن، من خودم که جواب پدرومادرم رو ندادم، یه بار مادرم اومد خیلی حرف زد سر یه جریانی، من فقط گریه میکردم روم نمیشد جوابش رو بدم، ولی الان توی روت وایمیستن، جوابت رو میدن، به من خیلی برمیخوره، بنظر من جواب ندادن به پدرومادر اصل هایی هست که باید رعایت بشه. البته این مساله یک چالش اساسی است که باید در قالب یک پژوهش به آن پرداخته شود.

یکی از انتظارات و ارزش‌های فرزندپروری والدین ایرانی خویشتنداری، مودب بودن، آرام بودن، گستاخ نبودن و حجب و حیا در روابط خانوادگی است، اما در برخی موارد آنچه در عمل دیده می‌شود سرکوب احساسات است تا ارزش‌هایی مانند احترام به بزرگترها و خویشتنداری. به

جملات زیر که بخشی از مصاحبه یک مادر ۴۱ ساله است توجه نمایید: احترام بزرگترها خیلی واجبه، احترام بزرگتر رو حتماً داشته باشه، اگر خدای ناکرده هم دلخوری از منه مادر پیدا میکنه یا از پدرش دلخوری داره، همون لحظه رودررو بیان نکنه که روی من وایسته اینو دوست ندارم، یعنی این حجب و حیا رو دوست دارم بینمون باشه، اگر دلخوری هست، من خودم شاید بفهمم. پدر ۴۰ ساله‌ای چنین می‌گوید: احترام والدین یعنی جواب بزرگتر رو ندادن، حرفشون رو گوش کردن، از تجربیاتشون استفاده کردن، من خودم که جواب پدرومادرم رو ندادم، یه بار مادرم اومد خیلی حرف زد سر یه جریانی، من فقط گریه میکردم روم نمیشد جوابش رو بدم، ولی الان توی روت وایمیستن، جوابت رو میدن، به من خیلی برمخوره، بنظر من جواب ندادن به پدرومادر اصل هایی هست که باید رعایت بشه.

قانون‌پذیری و رعایت نظم و انضباط یکی از کدهای با فراوانی بالا (۲۰ بار تکرار در ۳۳ مصاحبه) در مصاحبه والدین بود، اغلب والدین ایرانی اهمیت فوق‌العاده‌ای را برای نظم و انضباط قایل هستند. به جملات این مادر ۴۲ ساله توجه کنید: "جمع کردن لحاف و تشک هاشون که خودشون باید جمع کنن؛ رفت و آمد بیرونشون باید حتماً بهم بگن؛ مهیار که از خواب بلند نشده کمدمش رو تمیز کردم، کمدمش که بهم ریخته اس، میگم چقدر کمدمت بهم ریخته است ...". مادر ۵۰ ساله‌ای می‌گفت: "من خودم خیلی به نظم و انضباط معتقدم تو خونمون هم نظم و انضباط هست، این نیست که هر موقع دلت خواست ناهار بخوری هر موقع دلت خواست از خواب بیدار بشی یا اتاقت بهم ریخته باشه یا وسایلت سرچاش نباشه. باید همه چی مرتب باشه".

یکی از موارد پر تکرار در مصاحبه با والدین ایرانی این است که آنها دوست دارند فرزندشان به آنچه که آرزوی آنهاست برسد و این موضوع متأسفانه فقط در حد خواسته باقی نمانده و یکی از عوامل فشار و کنترل فرزند هم می‌شود، در واقع برخی از والدین می‌خواهند که فرزندشان را به آرزوهای خودشون برسانند. تجربیات بالینی نشان می‌دهد که در برخی مواقع (نه در همه موارد) این موضوع موجب می‌شود که والدین به جای توجه به نیاز واقعی زمان حال فرزند خود، به دنبال برآورده کردن کمبودهای ذهنی خود برای فرزندان برآیند و همین مساله در بین والدین و فرزندان تعارض ایجاد می‌کند. والدین با ذهنیت خود سرویس‌هایی به فرزندان می‌دهند که یا اصلاً متناسب با نیازهای فعلی او نیست و یا اولویت الان فرزندشان نیست. اینطور می‌شود که در نهایت فرزند از والدین شاکی است به خاطر عدم توجه به نیازهای واقعی او و درک نکردنش و والدین از این مساله شاکی هستند که هرآنچه فکر میکردند که برای آسایش فرزندشان لازم است فراهم کرده‌اند و هیچ چیز کم نگذاشته‌اند، بشکنند دستی که نمک ندارد. در واقع والدین راست می‌گویند ولی اشکال کار اینجاست که آنها نیازهای فرزند واقعی خود را برآورده نکرده‌اند بلکه نیازهای فرزند خیالی خود یا تصویر گذشته خود را برآورده کرده‌اند. مادر ۴۳ ساله‌ای در پاسخ به این پرسش که دوست دارید فرزندانتان چه دستاوردهایی داشته باشند، چنین می‌گوید: بیشتر دوست داشتم به آرزوهایی که خودم نرسیدم، بچه‌هام برسن مثل تحصیلات تکمیلی، پیگیری یک ورزش در سطح حرفه‌ای، رشته تربیت بدنی، مهارت‌های ارتباطی خیلی خوب، استاد دانشگاه. اگرچه این مادر به زبان می‌گوید که فرزندانش را اجبار نمی‌کنم ولی در عمل فرزند خود را به دانشگاه محل کار خود می‌برد، اساتید را نشان می‌دهد و او را ترغیب به این کار می‌کند، علی‌رغم علاقه فرزند او را در باشگاه و مدرسه دلخواه خود ثبت نام می‌کند و یک پدر ۴۲ ساله (پسر ۱۸ ساله) می‌گوید: خدا رو شکر بچه ما خیلی خوبه، تا الان همونی بوده که ما می‌خواهیم. مادر ۴۲ ساله‌ای معتقد است که من خودم خیلی دوست داشتم پزشکی بخونم، شرایطش جور بود، خارج از کشور پدرم اجازه ندادن، من زمانیکه ازدواج کردم درسم رو خوندم حقوق خوندم ولی اصلاً این رشته رو دوست نداشتم، بخاطر چشم و هم چشمی که از بقیه عقب نیفتم ادامه تحصیل داده باشم درسم رو خوندم، الان بهشون میگم هر جور که خودتون صلاح میدونین ولی دانشگاه دانشگاه مطرح و خوبی باشه بخاطر که چون خیلی دوست دارم بورسیه بشن و اینجوری ادامه بدن.

با وجود اینکه قابلیت‌های تحصیلی فقط چهار کد را به خود اختصاص داده است ولی پرتکرارترین مفهوم در بین تمام مفاهیم استخراج شده است (۴ کد، ۷۶ فراوانی، نسبت: ۱۹). ادامه تحصیل و داشتن تحصیلات عالی در بهترین شکل آن، موردی است که تقریباً در تمام مصاحبه‌ها دیده شد. همه والدین ایرانی این مولفه را یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف خود بیان می‌کنند. این موضوع حکایت از این دارد که والدین ایرانی کماکان داشتن تحصیلات بالا، اشتغال در یک جایگاه مناسب و پیشرفت تحصیلی و شغلی را یکی از ویژگی‌های اصلی یک فرزند

خوب می‌دانند و برای تحصیل و تحصیل کرده‌ها اهمیت و احترام خاصی قایل هستند. همه والدین ایرانی از تحصیلات به ویژه تحصیلات عالی به عنوان یکی از ارزش‌های اصلی خود یاد کرده‌اند. علی‌رغم تصور پژوهشگر مبنی بر کم‌رنگ شدن نقش علم در برابر مولفه‌های دیگر، محتوای مصاحبه‌ها خلاف آن را نشان داد و البته والدین درآمد زیاد را هم در دل تحصیلات بالا متصور بودند.

مادر ۴۱ ساله‌ای اینچنین آرزوی خود را بیان می‌کند: "خیلی دوست دارم، عاشق اینم که بچه‌ام مراحل عالی به طی کنه، یعنی، دخترم الان فوق لیسانس معماری داره میخونه با معدل نوزده و نیم، هیچ مشکلی باهاش ندارم، نمیخوام بچه‌ها رو مقایسه کنم، پسر و دختر رو با هم مقایسه کنم ولی همیشه ته دلم آرزوم اینه که همیشه پسر من مثل دخترم باشه". مادر ۳۹ ساله‌ای اظهار می‌دارد: "یک خورده خانواده‌ی خودم تحصیل کرده هستند، خیلی دوست دارم که به هر حال اون‌ها رو الگوی خودش قرار بده". مادر ۴۵ ساله‌ای هم می‌گوید: "اینده‌اش هم برام خیلی مهمه، خیلی مهمه. دوست ندارم بچه‌ام دیپلمه بیکار بشه دوست دارم تحصیلات رو تا بالا بره". مادر ۴۲ ساله‌ای که یک پسر ۱۸ ساله و دختر ۱۳ ساله دارد، می‌گوید: "از نظر تحصیلی خدا رو شکر هم خودش هم خواهرش خیلی علاقه نشون میدن از ابتدا هم خدا رو شکر همیشه ممتاز بودن، الانم پسر من خیلی علاقه منده فقط هم دانشگاه‌های تهران قبول بشه، نظر منم اینه که فقط یکی از دانشگاه‌های به نام باشه، برای آینده تحصیلیش دوست دارم بورس بشه خارج از کشور ادامه بده اما داخل کشور بتونه خدمت کنه". مادر ۴۱ ساله‌ای می‌گوید: باید بخونه، باید خوب هم بخونه، نه اینکه عادی بخونه. این موضوع در والدین کم سن و سال تر هم دیده می‌شود، مادر ۳۷ ساله‌ای خطاب به فرزندان پسر خود می‌گوید: من اشتباه کردم که ادامه ندادم درس و واسه همین میگم که هر جفتون باید درس بخونین به موقعیتی برسین که دیگه مثل من مجبور نباشین زحمت بکشین. بهشون گفتم اگه درس خوندین که خوندین اگر نخوندین اون زمینی که براتون گذاشتم گفتم بهشون هزار متر مال توئه، هزار متر مال توئه، تو اگه مهندسی شدی خواستی دفتر کار بزنی مال شماست سرمایه شماست، اگر نخوندی از این هزاره صدمترش رو بهت میدم در حد اینکه یه عروسی برات بگیرم و سلام نامه تموم، روی من هیچ گونه حسابی نکن، این نیست که شما درس نخونی رو دوش من باشید. البته استثنائاتی هم در این میان وجود دارد، به عنوان مثال مادر ۴۲ ساله‌ای می‌گوید: قطعاً افتخاره هر پدر و مادری بالاترین حده تحصیل هست، اما همیشه بهش گفتم مهم‌ترین چیزی که برام مهمه اون خوب بودن، خوب بودن به معنی موفقیت و عاقبت بخیری، اون چیزی که ایده آل جامعه هستش، میتونی یه دیپلمه موفق باشی تو زندگی میتونی یه دکتر موفق باشی، همیشه بهش میگم اون چیزی که حد اعلاهی هر چیزی هست رو در نظر داشته باش. در این زمینه رسیدن به کمال، کمال‌گرایی که در مصاحبه‌ها از فراوانی قابل توجهی برخوردار است. مادر ۴۰ ساله‌ای که پزشک است، می‌گفت: پزشکی در خاندان ما موروثی است و کسی حق ندارد کمتر از آن در دانشگاه قبول شود. بچه‌های ما هم همینطور. آبروریزی می‌شود.

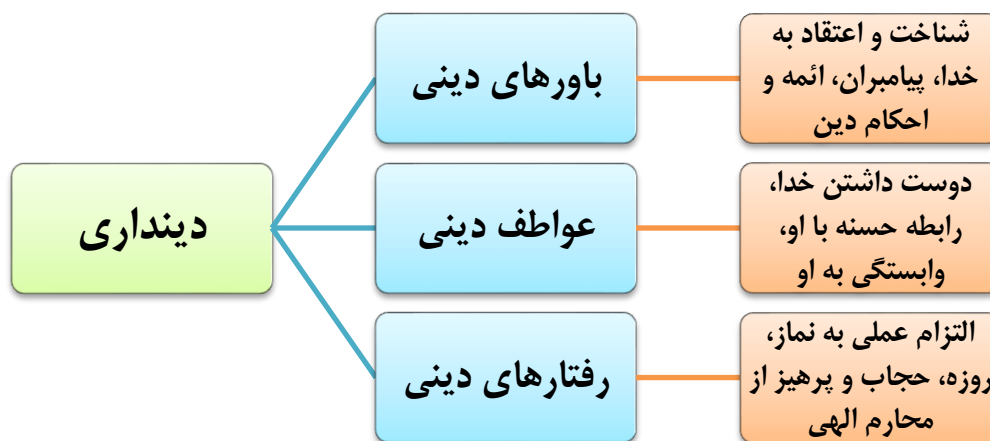
اگرچه داشتن یک کار موقت در سن نوجوانی و حرکت به سمت استقلال مالی یکی از ارزش‌های فرزندپروری والدین ایرانی است ولی این ارزش در اغلب موارد تحت‌الشعاع شدید پیشرفت‌های تحصیلی قرار دارد، یعنی والدین در صورت تباین تحصیل و شغل، تحصیل را در اولویت قرار می‌دهند. پدر و مادری ۴۵ و ۴۰ ساله می‌گویند، خیلی دوست داریم پیمان (۱۸ ساله) یک کار موقت داشته باشد تا راه و چاه کاسبی را یاد بگیرد و سختی پول درآوردن را درک کند ولی به خاطر در اولویت بودن تحصیلش این مساله را مسکوت گذاشته‌ایم.

یکی از ویژگی‌هایی که در سایر فرهنگ‌ها کمتر دیده می‌شود این است که نزد والدین ایرانی، مقبول و مورد پذیرش بودن فرزند از سوی دیگران بسیار اهمیت دارد، در نتیجه برای آنها مهم است که فرزندشان ویژگی‌هایی را دارا باشد که باعث پذیرفته شدن وی در جمع گردد. خوب بودن از نگاه دیگران، نظر دیگران، قضاوت دیگران و موارد اینچنینی در اغلب مصاحبه‌ها به وضوح قابل مشاهده است. برای آنها مهم است که فرزندان مهربان، همدل، محبوب، گرم و اجتماعی، مؤدب و احترام‌گذار، خوش صحبت و خوش برخورد، سازگار با همسالان و ملاحظه کار داشته باشند تا مقبول و مورد پذیرش باشند. مادر ۳۸ ساله‌ای می‌گوید: میگم بعداً حتی اگه نخوای تحصیلات رو ادامه نده، ولی کسی باش که به درد مردم بخوری، یه کاری کن همه بگن چه آدم خوبی، مهربونه، این موضوع واقعاً برای من مهمه. این یافته با یافته‌های هالووی و ناگاس (۲۰۱۴) در خصوص والدین ژاپنی همخوان است. می‌دانیم که مفید بودن، جلب رضایت و علاقه دیگران از مولفه‌های سلامت روان

است، ولی حالت افراطی آن می‌تواند خود را به صورت انفعال و وابستگی نشان بدهد و مانع تحول بهینه است. متأسفانه تجارب بالینی حکایت از یک اپیدمی در این زمینه دارد، در واقع این موضوع یک مساله فرهنگی است. از سوی دیگر والدین ایرانی بیشتر دوست دارند فرزندشان برون‌گرا، خوش‌مشراب و اجتماعی باشد، نکته‌ای که با مولفه‌های جمع‌گرایی فرهنگ ایران همخوان است.

دینداری با ۲۴ کد یا ویژگی، بعد از مفهوم اخلاق اجتماعی، بیشترین کدها را به خود اختصاص داده است. این موضوع می‌تواند به معنای اهمیت موضوع برای والدین باشد، در واقع والدین مسلمان دوست دارند که فرزندشان نیز مقید به مسایل دینی باشند. در این میان نماز با ۱۵ بار تکرار، رعایت حلال و حرام با ۱۰ بار تکرار، ایمان به خدا با ۹ بار تکرار، روزه گرفتن و محرم و نامحرم با ۸ بار تکرار در صدر این لیست قرار دارند. با بررسی پژوهش‌های دیگر نیز مشخص است در برخی از فرهنگ‌ها نیز به نوعی بر اهمیت باور و عبادات مذهبی به عنوان یک ارزش در پرورش فرزند اشاره شده است. برای نمونه در پژوهش سوزو (۲۰۰۷)، هر سه گروه اقلیت قومی ساکن در آمریکا نسبت به گروه اکثریت اروپایی-آمریکایی بر مذهب و ایمان تأکید بیشتری نمودند. در مطالعه گارف و همکاران (۲۰۱۴)، شامل ۱۲۰ نفر از والدین اهل مغولستان مهاجر به آلمان، والدین اهل مغولستان ساکن در مغولستان و والدین آلمانی که با استفاده از روش کمی انجام شده است، نیز بر اهمیت گرایش مذهبی تأکید شده است. در این پژوهش تأکید شده است. در این پژوهش از نظر هر دو گروه از والدین آلمانی مذهبی بودن اهمیت متوسطی برخوردار بود. به نظر میرسد از نگاه والدین، داشتن گرایش‌های مذهبی در بسیاری از جوامع فرهنگی مورد تأکید است. مطالعات انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهد مردم ایران مردمی دیندار بوده و حتی دینداری در میان مردم ایران نسبت به بسیار از کشورها مانند فرانسه، ایتالیا، مکزیک و آفریقای جنوبی بسیار زیاد است (آزاد ارمکی، ۲۰۰۵) در نتیجه تأکید والدین شرکت‌کننده در پژوهش بر ایمان و اعتقاد به خداد در فرزندانشان دور از ذهن نیست.

مشابه یافته‌های خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۲) می‌توان مولفه‌های دینداری را در سه دسته کلی جای داد: شناخت یا باورهای دینی؛ عواطف دینی و رفتارهای دینی. به این ترتیب می‌توان کدهای دین آگاهانه، خدانشناسی، ایمان به خدا/ اعتقاد قلبی، ایمان به پیامبر، اعتقاد به امام‌ها و آشنایی به احکام را در دسته باورهای دینی، کدهای ارتباط خوب با خدا، ولایی بودن، وابستگی به خدا و توجه به حضور خدا را در قالب عواطف دینی و کدهای خواندن قرآن، رعایت حلال و حرام و محرم و نامحرم، نماز، روزه، شرکت در مراسم دینی، عدم مصرف مشروبات، غیبت نکردن، تهمت نزدن و رعایت حجاب را در دسته رفتارهای دینی قرار داد.



شکل ۴-۵. مفهوم‌پردازی دینداری بر اساس ادبیات پژوهش و یافته‌های پژوهش حاضر

یکی از مسایل قابل توجه که در اغلب مصاحبه‌ها هم قابل مشاهده است، تفکیک اعتقاد یا باور از رفتار است. مادر ۴۱ ساله‌ای می‌گوید: پدر امیرمسعود خیلی اهل نماز نیست، ولی اعتقاداتش خیلی خوبه. مادر ۴۲ ساله‌ای (پسر ۱۸ ساله) می‌گوید: برخلاف اینکه

مسائل شخصیه نماز و روزه و عبادتش رو انجام نمیده ولی خیلی معتقد به اصول دینش، اعتقاد داره به خدا، حالا این که مسائل رو رعایت نمیکنه نمیدونم تبدیلی شخصیشونه نمیدونم.

سالم و صالح بودن از زبان والدین زیاد شنیده می‌شود. سالم و صالح بودن با این حدیث نبوی تطابق دارد که: العلم علمان؛ علم الادیان و علم الابدان. پدر ۴۱ ساله‌ای صالح و سالم بودن را چنین تعریف می‌کند: دوست دارم بچه‌ام اول خوب خودشو بشناسه، خداشو بشناسه، و به خلق خدا خدمت کنه. دوست دارم اگه خانه‌دار میشه به کارش عشق بورزه اگه معلم میشه عاشق شغلش باشه و اگه هر کار دیگه ای هم که می‌کنه عاشق کارش باشه. سالم، تندرست، با نشاط، سرزنده، نمازخوان، با حجاب، کتابخوان و اهل مطالعه و اندیشه؛ برای عبادتش وقت بذاره در واقع برای خودش وقت بذاره، خودشو دوست داشته باشه، برای سلامت جسم و روانش اهمیت قائل بشه. مهربان باشه و در عین حال قاطع. دوست دارم بچه‌ام به قانون احترام بذاره حتی اگه به نفعش نباشه، صادق باشه، محیط زیست رو دوست داشته باشه، صلح طلب باشه، در جبهه حق بایسته حتی اگه علی‌الظاهر به ضررش باشه. دوست دارم بچه‌ام قدر خودش رو بدونه، خودش رو ارزون نفروشه، به گفته حضرت علی حداقل قیمت ما بهشته نباید خودمون رو ارزون‌تر از اون بفروشیم. دوست دارم بچه‌ام در نامالیامات بتونه روی پای خودش بایسته، مقاوم باشه و استوار. قدر عمرش رو بدونه و از اون خوب استفاده کنه. من دوست دارم بچه‌ام چند بعدی بار بیاد فقط مهندس و دکتر خالی به درد نمی‌خوره، بتونه بردارهای مختلف زندگی شو آهسته و پیوسته و در کنار همدیگه جلو بیره، در حد متعادلی درس، در حد متعادلی مطالعات خارج از درس، در حد متعادلی ورزش و تحرک، تفریح متعادل، روابط متعادل، ازدواج، فرزندآوری و ... تو یک کلمه دوست دارم بچه‌ام انسان باشه و از انسان بودن خودش هم راضی باشه.

اهمیت شغل دولتی و داشتن یک شغل ثابت با حقوق ماهیانه در چند مصاحبه به شکل بارزی دیده می‌شود: جملات پدر ۴۲ ساله: ما زمانیکه تحصیل میکردیم به شغل آزاد فکر میکردیم به کارمندی فکر نمی‌کردیم، ولی بعد هفت هشت سال ورق اصلاً برگشت، خودمون اشتباه کردیم، اگه همون موقع کارمند میشدیم الان خیلی زندگیه راحت تر و بی دغدغه تر بدون استرس داشتیم، شغل آزاد نه پنج شنبه داره نه تعطیلات داره، نه سفر داره، هیچ چیز مشخص نیست، پات رو میخوای بزاری بیرون میگی مبدا الان به درآمدی داشته باشم. عمرتم شماره میندازه ۴۱، ۴۲ و... به این سن هم که میرسی تازه بیشتر بهت فشار میاد میگی بابا تموم شد جوونیم رفت به اون چیزی هم که میخواستی نرسیدی. مادر ۳۸ ساله‌ای هم چنین می‌گوید: از لحاظ شغلی دوست دارم به جورایی باشه که آیندش از نظر شغلی تامین باشه، من سه برادر دارم همیشه مشکل شغلی داشتن، بخاطر بابام که شغل آزاد داشته بچه‌ها هم به پیروی اون هی شل کن سفت کن داشتن، ولی شوهرم خودش شغل دولتی داشته، بخاطر همین فکر میکنم خودم از نظر روانی تو شرایط بهتری زندگی میکنم تا اوناییکه توی این شرایطن. شاید کم باشه ولی راحت تری، همچنین چیزی رو هم واسه پسر دوست دارم. یعنی از لحاظ روانی خیلی ترجیح میدم آسایش روانی رو خیلی ترجیح میدم تا شرایط مالی رو، شرایط روانی تضمین میکنه اون شرایط مالی رو. به نظر می‌رسد که امنیت روانی در این میان نقشی اساسی بازی می‌کند. متأسفانه نوسان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در طول تاریخ موجب یک احساس عدم امنیت روانی در جامعه ما شده است و همین امر باعث می‌شود بسیاری از افراد محتاط شده و به قول معروف یک آب باریکه را ترجیح دهند. البته در برخی از مشاغل موقعیت اجتماعی یا جایگاه شغلی نیز باعث می‌شود تا افراد درآمد پایین یک شغل دارای جایگاه اجتماعی بالا را به شغل پردرآمد ترجیح دهند.

یکی از نکات جالب توجه در مصاحبه با والدین ایرانی اهمیتی است که آنان برای جرات‌ورزی و قاطعیت قائل هستند، در حالی که اغلب آنان از اینکه در روابط خود قاطع نیستند، ناخرسند هستند و در واقع آرزو دارند فرزندانشان اینگونه نباشند. در این مواقع ممکن است دو مشکل ایجاد شود، نخست اینکه آنها فرزندان خود را تشویق به قاطعیت می‌کنند ولی در عمل انفعال را به آنها آموزش می‌دهند؛ نکته دیگر اینکه گاهی فرزندان خود را وادار می‌کنند به جای آنها با دیگران روبرو شود، و این موضوع می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای فرزندان داشته باشد. مساله دیگری که گاهی مشاهده می‌شود این است که برخی والدین فرزند خود را به خاطر نداشتن قاطعیت (آنچه خود هم ندارند) شماتت و سرزنش می‌کنند. مساله دیگر برمی‌گردد به اختلاف نظر پدر و مادر در این زمینه، یعنی یکی این رفتار را تشویق می‌کند و دیگری آن را بی‌ادبی می‌داند

و فرزند نمی‌داند چه باید بکند و نهایتاً به خاطر دوری از تنش، انفعال یا اجتناب را بر می‌گزیند. جملات مادر ۳۸ ساله را ملاحظه نمایید: از دخترم خوشم می‌آید به اخلاقی داره بعضی موقع‌ها به صحبتایی میکنه که فکر میکنم خیلی بهتر از منه، نسل ما یاد نگرفتیم که، تعارفی شدیم همه رو سعی میکنیم راضی نگه داریم، حتی اگه خودمون داریم عذاب میکشیم. ولی الان مثلاً دختر من اگه کسی بیاد بعضی موقع‌ها مثلاً بالشت و پتوش رو به هیچ عنوان نمیده به بچه ی دیگه روش بخوابه، رو چیزهای خاصی حساسیت داره، پسر جاریم اومد بالشتش رو برداره، کوچیکه، سریع ازش گرفت، شوهرم دعواش کرد گفت چرا ازش گرفتی گفت این وسیله شخصیه منه، نمیخوام به کسی بدم، ماها اینجوری تربیت نشدیم، شوهرم گفت خیلی بی ادبی، چرا اینکارو میکنی، بعداً به شوهرم گفتم اون وسیله خودش، حق داره بده حق داره نده اتفاقاً خودش گفت شما دوست دارین همه بیان وسایلتون رو ازتون بگیرن، من دوست ندارم این اخلاق دخترمو دوست دارم.

یکی دیگر از موارد شایع در مصاحبه‌ها، این عبارت است که "عصبانی نشود" متأسفانه تجارب بالینی هم نشان می‌دهد که اغلب افراد بین هیجان و رفتار تمایز چندانی قابل نیستند و خشم را برابر با پرخاشگری می‌دانند و به همین خاطر هم ندانسته احساس فرزند خود را سرکوب می‌کنند و او را به آدمی منفعل و بازدارنده تبدیل می‌کنند. در واقع به جای تنظیم رفتار هیجانی، به سرکوب هیجان می‌پردازند. توجه به احساسات فرزند، پذیرش آن و اجازه آن در یک بستر گرم و سازنده، یکی از مولفه‌های اساسی تنظیم هیجان فرزندان است که متأسفانه در بخش قابل توجهی از مصاحبه‌ها جای آن خالی است. البته تعدادی از والدین به صورت مستقیم به رفتار پرخاشگرانه اشاره کرده و بین احساس و رفتار تمایز قابل می‌شوند.

یکی از چالش‌های اساسی در فرزندپروری والدین ایرانی که در اغلب مصاحبه‌ها هم به چشم می‌خورد حد و مرز آزادی برای فرزندان است. با توجه به وابستگی عاطفی در خانواده‌های ایرانی و شیوع سبک اضطرابی در والدین ایرانی به ویژه مادران، حد و مرزهای آزادی برای فرزندان یک چالش اساسی به شمار می‌رود. جملات یک پدر ۴۰ ساله که دو فرزند پسر ۱۵ و ۱۸ ساله دارد مصداق خوبی در این زمینه است، وی در پاسخ به این سوال که بچه‌های شما چقدر اجازه دارن که آزاد باشند و کارهای دلخواه خودشون رو انجام بدن، چنین پاسخ می‌دهد: دوست ندارم آزادی داشته باشن، دلخواه خودشون رفتار کنن، نه که سلطه ی من باشن، با پدرومادر هماهنگ باشن، سرخود کاری انجام ندن. این موضوع حتی در مواردی که والدین اظهار می‌کنند که "هر چی خودشون دوست دارن"، پیچیده‌تر هم می‌شود و می‌تواند خود را در قالب یک استبداد نرم نشان دهد. اظهارات مادر ۳۷ ساله که داری فرزند پسر ۱۷ ساله است را ملاحظه فرمایید: خودش هر چی دوست داره، ولی، خودش دوست داشت رشته هنر رو ولی من و پدرش سوقش دادیم به رشته ریاضی فیزیک، چون باهاش صحبت کردیم گفتیم رشته ی هنر یک رشته ی نون آب داری نیست واست، یک خورده باهاش مشاوره کردیم باهاش صحبت کردیم قبول کرد. این حد و مرز در روایات اسلامی تا حدودی مشخص شده است، حدیث امام صادق در مورد اینکه بعد از ۲۱ سالگی به عهده خود فرد است.

یکی از سوالاتی که در اینجا مطرح میشود این است که در فرهنگ‌های مختلف از چه سنی یا از چه دوره‌ای به بعد اجازه می‌دهند که فرزند مستقل‌تر عمل کرده و کنترل و نظارت به حداقل می‌رسد. به نظر می‌رسد فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های زیادی در این مساله داشته باشند. می‌شد از این مادر پرسید که اگه پسرت چند سالش بشه دیگه مجبور نیست برای هر رفت و آمدی خبر بده یا مدام زنگ بزنه؟ مادری ۴۵ ساله چنین می‌گوید: الان پسر بزرگم ۲۱ سالشه، هرازگاهی میگه مامان دیگه من نباید به شما بگم کجا میرم من دیگه بزرگم، من میدونم دارم چیکار میکنم ولی من خودم اینجور احساس میکنم که هنوز به اون مرحله نرسیده. مادری که دو پسر ۱۵ ساله و ۲۱ ساله دارد می‌گوید: الان بچه‌ها بزرگتر شدن و واقعاً احتیاج به مراقبت دارن.

یکی از مضمون‌های اصلی در فرزندپروری پدران در رابطه با پسران، مساله قوی بودن و کم نیاوردن، به هر قیمتی است. این مضمون عمری طولانی در فرهنگ ما دارد؛ آموزه قدیمی "مرد که گریه نمی‌کنه"، یا این شعر که: "مرد آن است که در کشاکش دهر، سنگ زیرین آسیا باشد". جملات پدر ۴۴ ساله در پاسخ به سوال "به نظر شما یک فرزند خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟"، به خوبی به این موضوع اشاره دارد: ورزشکار باشه، تو زندگیش هیچوقت زانو نزنه، یکبار زانو بزنه اونم ۱۲۰ سالگی جلوی مرگ، "نه" وجود نداره تو فلسفه ی ما و انسان قادره

به هر چیزی که بخواد دست پیدا کنه مهم اینه که بخواد و تلاش کنه. می‌توان برای آن هم جنبه‌های مثبت در نظر گرفت و هم جنبه‌های منفی. جنبه‌های مثبت مربوط به تاکید بر استقلال و خودمختاری و اراده می‌شود و جنبه‌های منفی خود را در قالب فشار بیش از حد به خود، انتظار بیش از حد از خود، انتقاد از خود و سرکوب احساسات به بهای حفظ ظاهر نشان می‌دهد. به تجربه بالینی دریافته‌ام که اولاً مردان بسیار کمتر از زنان در مراکز مشاوره حضور می‌یابند و ثانیاً در برابر تجربه احساس در برابر درمانگر به شدت مقاومت نشان می‌دهند.

تقدیر و تشکر

از آقای دکتر یزدان منصوریان، آقای فرهاد جوکار و همه والدینی که در پژوهش حاضر شرکت نمودند صمیمانه سپاسگزاریم.

References

- Azadarmaki, T. (2005). Families in Iran: The Contemporary Situation. In B. Adams & J. Trost (Eds.). *Handbook of World Families*. (pp.467-486). New York: SAGE.
- Bates, Daniel G. and Fratkin, Elliot M. (2002). *Cultural Anthropology*. New York: Allyn & Bacon, Inc.
- Bornstein, M. H., and Cheah, C. S. L. (2006). The Place of "Culture and Parenting" in the Ecological Contextual Perspective on Developmental Science. In K. H. Rubin and O. B. Chung (Eds.). *Parenting beliefs, behaviors, and parent-child relations: a cross-cultural perspective* (pp. 3-33). New York: Psychology Press.
- Carlson, V. J. and Harwood, R. L. (2003). Alternate Pathways to Competence: Culture and Early Attachment Relationships. In Susan M. Johnson and Valerie E. Whiffen (Eds.), *Attachment processes in couple and family therapy* (pp. 85-99). New York: Guilford Press.
- Cave, S. B. (2002). *Classification and Diagnosis of Psychological Abnormality*. New York: Taylor & Francis Group.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2004). Working models of attachment shape perception of social support: Evidence from experimental and observational studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 363-383.
- Crockett, Lisa J., Veed, Glen J. and Russell, Stephen T. (2010). Do Measures of Parenting Have the Same Meaning for European, Chinese, and Filipino American Adolescents? Tests of Measurement Equivalence. In Stephen T. Russell, Lisa J. Crockett, and Ruth K. Chao (Eds.), *Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships* (pp. 17-35). New York: Springer.
- DomenechRodri'guez, M. M., Donovick, M. R. and Crowley, S. L. (2009). Parenting Styles in a Cultural Context: Observations of "Protective Parenting" in First-Generation Latinos. *Family Process*, Vol. 48, No. 2, 195-210.
- Garf, F. A. M. Roder; S. Hein; A. R. Muller & O. Ganzorig. (2014). Cultural Influences on Socialization Goals and Parenting behaviors Of Mongolian Parents. *Journal of Cross-Cultural Psychology*. 45.1317-1327.
- Harkness, S., & Super, C. M. (2006). Themes and variations: Parental ethnotheories in western cultures. In Rubin, K. (Ed.), *Parental beliefs, parenting, and child development in cross-cultural perspective* (pp. 61-79). New York: Psychology Press.
- Hellisaz, M., Mazaheri, M. A., Panaghi, L. and Hassani, F. (2015). Values of child-raising among mothers of three-five years old children: A phenomenological study. *Strategy for Culture*, 29, 121-148. [Persian]
- Hitlin, S. (2006). Parental influences on children's values and aspirations: Bridging two theories of social class and socialization. *Sociological Perspectives*, 49(1), 25-46.
- Holloway, S. D., & Nagase, A. (2014). Child rearing in Japan. In H. Selin (Ed): *Parenting across cultures*. New York: Springer.
- Isaac, R.; Annie, I. K. and Prashanth, H. R. (2014). Parenting in India. In H. Selin (Ed): *Parenting across cultures*. New York: Springer.
- Khodayarifard, M., Paknejad, M., Ghobari-Bonab, B., Kharazi, K., and Tahmaseb Kazemi, B. (2013). Applying cognitive-behavioral model and interactive psycho-social program for improvement of religious beliefs and behaviors of university students. *Applied Psychological Research Quarterly*, 4 (2), 1- 19. [Persian]

- Madanipour, A., Rostami, Z., and Madandar, M. (2011). A Comparative Study of Child Rearing Values in Central Asia, the Middle East and North Africa. *Journal of Family Research*, 6(4), 411-431. [Persian]
- Mikulincer, M. & Shaver, P. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality*, 39, 22-45.
- Padmawidjaja, Inna A. and Chao, Ruth K. (2010). Parental Beliefs and Their Relation to the Parental Practices of Immigrant Chinese Americans and European Americans. In Stephen T. Russell, Lisa J. Crockett, and Ruth K. Chao (Eds.), *Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships* (pp. 37-60). New York: Springer.
- Park, J. H. & Kwon, Y. L. (2009). Parental goals and parenting practices of Korean mothers with preschool children. *Journal of early childhood research*, 7, 58-75.
- Pitromonaco, P. R., & Barrett, L. F. (2000). The internal working models concepts. *Review of General Psychology*, 4, 155-175.
- Reasoner, R. W. & Lane, M. L. (2007). *Parenting with Purpose: Five Keys to Raising Children with values and Vision*. Fawnskin, CA: Personhood press.
- Riley, P. (2009). An adult attachment perspective on the student-teacher relationship & classroom management difficulties. *Journal of Teaching and Teacher Education* (25).626-635.
- Russell, Stephen T., Crockett, Lisa J. and Chao, Ruth K. (2010). Introduction: Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships. In Stephen T. Russell, Lisa J. Crockett, and Ruth K. Chao (Eds.), *Asian American Parenting and Parent-Adolescent Relationships* (pp. 1-15). New York: Springer.
- Super, C. M., & Harkness, S. (2002). Culture Structures the Environment for Development. *Human Development* 45, no. 4, 270-74.
- Suizzo, M A. (2007). Parents Goals and Values for children: Dimensions of Independence and Interdepends Across four U.S. Ethnic Groups. *Journal of Cross- Cultural Psychology*. 38. 506-530.
- Tulviste, T. (2013). Socialization Values if Mothers and Fathers: Does the child's Age matter? *TRAMES*. 17. 129-140.
- Wang, S. & C. S. Tamis-Lemonda. (2003). Do Child-Rearing Values in Taiwan and the United States Reflects Cultural Value of Collectivism and Individualism? *Journal of Cross-cultural Psychology*. 34. 629-642.